

اعضاء محترم انجمن بین المللی هواشناسی کشاورزی

مدتهای مدیدی است که ما در هواشناسی اعتماد خود را نسبت به همبستگی قطعی و روابط آماری معین از دست داده ایم. ما اغلب در هواشناسی نسبت به روابط و ارتباطات آشکاری آگاه می شویم که بسیار پیچیده بوده و گاهی اوقات علل و اثرات بسیار متفاوتی را شامل می شوند بنحوی که با روابط ساده قابل ارائه نمی باشد.

اماد بر برخی علوم اجتماعی چنین وضعی وجود ندارد. یکسال قبل مارشال ب. برک (Marshall B. Burke) و همکاران اش مقاله ای را تحت عنوان (گرمایش جهانی سبب افزایش احتمال وقوع جنگهای داخلی در آفریقا می گردد) در مجموعه مقالات آکادمی ملی علوم آمریکا (PNAS) به چاپ رساندند. به دور از هدف پیش بینی و با روابط منطقی غیر مستقیم از طریق به مخاطره انداختن منابع بعلت خشکسالی و کشمکشهای ایجاد شده زیرمادهای اقلیمی در مورد علل و شدت تغییرات بارشی آینده در اکثر مناطق قاره آفریقا بایکدیگر توافقی ندارند. آنها همچنین استدلال نمودند که مطالعات معدودی بطور آشکار نقش درجه حرارت را بعنوان عامل اصلی مدنظر قرارداد داده اند و این امر بدلیل ساده سازی اتفاق افتاده است. اگر شما مایل به مشاهده روش های آماری بنظر من بسیار گویج کننده آنان در خصوص رنج انسان ناشی از جنگ در آفریقا هستید، سایت ذیل را مشاهده فرمائید.

www.pnas.org/cgi/doi/10.1073/pnas.0907999106

سپس او اخیراً سپتامبر هالوارد بوهانگ در مجموعه مقالات آکادمی ملی علوم آمریکا (PNAS) به دیدگاه فوق تاخت و بادیدگر روشهای آماری نشان داد که تقریباً هیچ ارتباطی مابین نشانگرهای تغییر اقلیم و فراوانی وقوع جنگهای داخلی در طی ۵۰ سال اخیر در مناطق جنوب صحرای کبیر آفریقا وجود ندارد. او استدلال نمود که تغییر پذیری اقلیمی در خصوص نبردهای مسلحانه یک عامل پیش بینی کننده ضعیفی بشمار آمده و مسبب اولیه ایجاد جنگهای داخلی عوامل سیاسی هستند نه عوامل محیطی.

www.pnas.org/cgi/doi/10.1073/pnas.1005739107

این جملات مخالف چندان هم تعجب آور نیست زیرا اولین گروه از مولفین اقتصاددانان منابع و دانشمندان علوم سیاسی هستند حال آنکه آقای بوهانگ به فعالیتی اشتغال دارد که مادر دهه هفتاد به آن (polemologist) می گوئیم یعنی محققى که به مطالعه جنگ می پردازد. قبل از آنکه من جمله آخر آقای بوهانگ را به چالش بکشم به بحثی اشاره می کنم که دو دیدگاه متضاد فوق در مجله Nature در ۶ سپتامبر ۲۰۱۰ به آن پرداختند.

<http://www.nature.com/news/2010/100906/full/news.2010.451.html>

مقاله گزارش می نماید که دو مولف در مورد مدیریت داده ها از یکدیگر سوال می کنند. سپس مدیر موسسه Potsdam (موسسه پژوهشی اثرات اقلیم) در آلمان بیان می نماید که اگر مواد و روشها مطابق امر باشد که چنین نمی باشد، باعث ایجاد شایعه ای قوی می گردد که فهم سیگنالهای اقلیمی مرتبط با جنگهای داخلی را با مشکل مواجه می سازد. مباحث مشابهی نیز در مجله Nature مطرح گردیده است که کشمکشهای موجود در مناطق جنوب صحرائی کبیر آفریقا و دیگر مناطق را مرتبط با تغییرات منابعی دانسته اند که کاملاً وابسته به اقلیم می باشند.

من احساس می کنم که مشکل اصلی این مطالعات و مباحثات آنست که در واقع آنها سیب را با گلابی یعنی دو چیز بسیار ناهممانند را با یکدیگر مقایسه می کنند هر چند هر دو میوه محسوب گردند. کشمکشها و تنشها نه تنها در جنوب صحرائی کبیر بلکه در هیچ کجای دنیا با هم مشابه نیستند اما این امر هنگامی درک می گردد که بطور جداگانه به لازمه ایجاد هر یک از کشمکشهای مذکور نگریسته شود. اما در روشهای آماری آنها سعی می نمایند هر چه سریع تر عوامل محیطی مشترک دخیل را بیابند هر چند عوامل مذکور و روشهای متفاوتی عمل می نمایند و تاثیرات واقعی و وزن آنها بهیچ وجه با یکدیگر قابل مقایسه نیست. اما علم آمار چنین عملی را انجام می دهد (انجام مقایسه) و بنابراین روش خوبی برای چنین موضوعاتی بشمار نمی آید. اما بهر حال در واقع به این معنی نیست که کمبود رقابت بر سر منابع در ایجاد کشمکش و جنگها نقشی ندارد.

مورد مذکور در کتاب خانم الیزا گریسولد (Eliza Griswolds) تحت عنوان "دهمین مشابهت" انتشارات فرار اشتراوس و گیروکس نیویورک ۲۰۱۰ تحت عنوان "گزارشات اختلافات مابین مسیحیت و اسلام" بخوبی توضیح داده شده است. کتاب مذکور بیان می نماید که کشمکشهای مابین ادیان در شمال خط استوا در آفریقا (نیجریه - سودان - سومالی) و آسیا (اندونزی - مالزی و فیلیپین) کشمکش بر سر آب، زمین، نفت و دیگر منابع طبیعی نیز می باشد. در صفحه ۱۲ کتاب آمده است: "ایمان و مذهب عمیقاً وابسته به کشمکش بر سر منابع و بقاء می باشد". علاوه بر این من می توانم بر اساس فعالیتهایی که در دهه ۸۰ و ۹۰ در خصوص بیابانزایی در آفریقا (خصوصاً سودان، نیجریه، کنیا)، انجام داده ام برای امر صحنه بگذارم که مشکلات اجتماعی مابین ادیان، گروههای اقلیتی و سیاسی همانند آنچه هست که نویسنده کتاب خانم گریسولد بیان در صفحه ۴۱ بیان می نماید "دامن زدن و برانگیختگی بر اثر فقر شدید آموزش و خدمات" و این موضوع همان موضوعی است که مادر علوم کاربردی نظیر هواشناسی کشاورزی بر روی آن مشغول به کار هستیم..... به مابینونید!

صفحه ۶۴ کتاب: جایی که بی عدالتی اجتماعی و اقتصادی حاکم است، کشمکش و درگیری ادامه خواهد یافت. مقامات ارشد در سودان دریافتند که رقابت مردم سودان به سادگی بر سر چراگاهها یا حتی نفت نبوده و آنها بازیچه کشمکشی بزرگتر بوده اند (صفحه ۱۲۳) مسیحیان و مسلمانان روز به روز بر سر جنگلهای

غنی کاکائو و آبنوس بایکدیگر کشمکش داشتند. در صفحه ۲۶۰ کتاب آمده است: کشمکش در سودان و در دیگر نقاط دنیا تنها سیاسی نبوده و اقتصادی، اجتماعی و برسر نیازهای انسانی نیز می باشد. ما باید متقاعد شده باشیم که علم آمار قادر به تحلیل این موارد نمی باشد. برای سالی که پیش رو داریم امیدوارم که ما سوای باورها و اعتقادات قبلی مان، بتوانیم تاثیر بیشتری بر هوشناسی کشاورزی و اقدامات مرتبط با آن در خصوص آموزش و خدمات کاربردی در جهت رفع نیازمندی های عامه مردم داشته باشیم. و برای فرد فرد شما من آرزوی تحقق رویاهایتان را بنحوی دارم که به هیچکس صدمه ای نرسانده و مجدداً سوای باورها و اعتقادات پیشین مان باعث تقویت اهداف مشترک مان گردد. با همکاری یکدیگر می توانیم این دنیارابه مکانی بمراتب بهتر و آمار تری برای همگان تبدیل نمائیم! با بهترین آرزوها - کیزاستیگر

مترجم و عضو هیئت موسس انجمن بین المللی هوشناسی کشاورزی - سیدمسعود مصطفوی دارانی